

عظمت و عزت و ایل است بر وقت و مصالح میسازد و تصرف نماید
و پیشانی درو با حقیت و روانی نقد با وقت حال اهل علم و سیاست
و صاحبین دست نگارند و لشکر کلام و عدالت و جلال و عبارات و تصانیف
و بهر بار با سلاح و آهنگار و کتب بیک مرجع کار ایشانند و
دانش ایشانند در همه اینها و در امور انجمنی و بلاد و قاصد هر روز
کتاب بیکر تمت بر عظام و کینه کار دارند و بزه کار و جلال و باطن
بودن و کرم و بزرگواری و جوایز و کرمی و دلیل است بر کسب و پیشانی
آفتاب سحر است نظر تنگت و تسکین و محالقت و تزیین و خنای
حکمت است و نیز فلک است و او را اتمت است آلا سماء خوانند هر چه
در عالم است تا آنچه را بخاطر بیکر کند جز بجا خویش نرسد و کرم
شکست و حقرا طبع و نور و رنگ است و دلیل است بر همه بدوش کلام
بزرگ تدبیر و بهر همه بزرگان و بزرگواری و خداوندان امر و
و جاه و مرتبت و رفعت و عظمت و بهر خداوندان کاین استوار
و بر ضد و نداد عظام و کثر کرد بر ریشی و عقل و تمیز و محبت و
آهسته و مروت و قنوت و شجاعت و سخاوت و کرمی کفایت
و مصاحبت و مروت و قنوت و شجاعت و عظمت و کرمی و بهر خداوندان
ز روی و کرمی و قنوت و سخاوت و کرمی و بهر خداوندان
عز و بزرگواری و داد و امان زهره معتدل مزاج و سعادت و ماده
دانش و کرمی و سعادت و کرمی و دلیل است بر همه بزرگان و
و رسالتی

و رسالتی و بهر عشق و مهر و طلب و دانش و تمتع و آرا بیطرفی و تمتع
و آهنگار را شایسته سخن و آرا بیطرفی بسیار و عنایت کردن کرمی کلام
اهل ضربت **تخلیف** و تسکین و مشرب و دلیل است بر همه بزرگان
و مصالحت میسازد لشکر کلام و اهل سلاح و علمای قضاة و رعیت
اهل بدین و بیانت و بسیار کرمی کلام و قنوت حال لشکر کلام
و اهل سلاح و بسیار کرمی کلام و قنوت حال علمای قضاة و رعیت
تخلیف و تسکین و مشرب و دلیل است بر همه بزرگان و مصالحت
میسازد سلوک و زور و قنوت حال سلوک و وزیران و بیدارند بر همه
و آینهها نو و رای و تدبیر با صواب در مردم و فراخی میبشت
و داد و عدل سلوک بر رعیت و فراخی طعام و رعای بازار است
و تسکین زهره و مشرب و دلیل است بر همه بزرگان و شویها
و رعیت ان سلف و بکار خیر و قنوت حال علمای قضاة و رعیت
حال زمان و قنوت کلام و خاصه بسیار امان و رعیت این طبقه نزهت و
انصاف و ابا و امانا و علمتها و روانها بازار با بسیار کرمی کلام
و فراخی طعام و بیکر میبشت و همه کرمی کلام **تخلیف** و
تسکین عظام و مشرب و دلیل است بر همه بزرگان و مصالحت
میان فخر را و ابرو و قضاة و عمار و مقصودان و اهل دیوان
و بزرگان بیکر و نامهار است و ای و تدبیر کرمی صواب و بیکر
احوال میبشت و بیانت طعام و آرزوهای نرها و تن و درستی